

# بازپس‌گیری لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان

«اعتماد» از آخرین وضع لایحه دایمی‌شدن همسان‌سازی حقوق بازنشستگان گزارش می‌دهد

## سیاست بازپس‌گیری «دولت مردمی»!

گروه سیاسی

کمتر از 2 ماه پیش بود که در جریان برگزاری یکی از جلسات علنی مجلس، میکروفن یکی از دبیران هیات‌ریسه روشن شد و محمد رشیدی که بنا داشت موارد اعلام‌وصولی آن جلسه مجلس را قرائت و اعلام کند که کدام یک از طرح‌های نمایندگان مجلس یا لوایح مصوب در هیات دولت از سوی هیات‌ریسه مجلس دریافت شده، نه از وصول طرح‌ها و لوایح جدید، بلکه از استرداد لوایحی گفت که به تصویب دولت دوازدهم رسیده و از سوی مجلس کنونی یا پیشین واصل شده بود. زمانی که اعلام استرداد 5 لایحه از سوی دولت ریسی درحالی این پرسش را در افکار عمومی ایجاد کرد که دولت ریسی با چه هدفی تصمیم به بازپس‌گیری لوایحی گرفته که دولت روحانی به عنوان دولت مشروع و منتخب ملت به تصویب رسانده و مجلس دهم یا یازدهم که فارغ از بحث میزان مشارکت و سمت‌وسو و گرایش جناحی‌شان، هر دو به موجب اختیاراتی که قانون به آنها داده، اقدام به دریافتشان کرده و این مهم را رسماً در جلسات علنی مجلس اعلام کرده بودند.

آنچه اما آن روزهای پایانی پاییز 1400، به‌طور مضاعف شهروندان و برخی نیروها و جریان‌های سیاسی را نگران کرد، استرداد لوایحی بود که تصویبشان در دولت دوازدهم، در واقع پاسخ به بعضی از مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی روحانی بوده و اگرچه هنوز به تصویب مجلس درنیامده و رسماً به عنوان قانون اجرا نشده بودند اما به‌هرحال پیشرفتشان در مسیر تصویب و اقدامات دولت در پاسخ به مطالبه افکار

عمومي و شهروندان جامعه، تا همين ميزان نيز اميدواري‌هايي را در ميان طيف‌هاي گوناگون شهروندان ايجاد کرده بود؛ لوايحي که البته در برخي موارد، به دليل کارکرد تخصصي‌شان، طبيعاً چندان مورد توجه عموم جامعه نبوده و بالطبع استردادشان نيز نگراني کمتر يا به بيان دقيق‌تر نگراني نزد گروه‌ي کوچک‌تر از شهروندان ايجاد کرد اما به همين ميزان نيز آنجا که اين تصميم دولت شامل لوايحي ميشد که بر زندگي و روزگار گروه‌ي بزرگ‌تر از شهروندان اثرگذار بود و تصويب‌شان، خواست بخش بزرگ‌تري از جامعه بود، طبيعاً نگراني عميق‌تر و جدي‌تري را به همراه داشت. مواردی که از جمله مي‌توان به «لايحه حمايت از مالکيت فکري» يا «لايحه استفساريه ماده ۱۰۶ قانون کار» اشاره کرد و اين در حالي بود که ميان آن 5 لايحه‌اي که در آن نشست علني اعلام وصول شد، همچنين «لايحه الحاق يك تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذيرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالي کشور» نيز به چشم مي‌آمد. لايحه‌اي که پيش‌تر، در دولت روحاني تهيه و تدوين شده و قرار بود در صورت تصويب در مجلس و تايد توسط 6 فقيه و 6 حقوقدان شوراي نگهبان، به عنوان قانون مشروع و رسمي مملکتی، به رويه‌اي نامبارک پايان دهد که از آن به عنوان «ستاره‌دارشدن دانشجويان» ياد ميشود. لايحه‌اي که در تبصره پيشنهادي‌اش، با تاکيد بر اينکه «حق بر آموزش جزو حقوق اساسي افراد است و هيچ‌کس را نمي‌توان به عذري غير از عدم صلاحيت علمي مقرر، از آموزش در مقاطع مختلف تحصيلي از جمله آموزش عالي منع کرد»، آورده بود که «کليه قوانين و مقررات عام و خاصي که شرايطي جز صلاحيت علمي براي بهره‌مندی از حق آموزش مقرر کرده‌اند، صرف‌نظر از مرجع و زمان تصويب، لغو ميشوند.»

حال در شرايطي که 2 ماهي از آن روز مي‌گذرد و انتقاد گسترده افکار عمومي و اصحاب رسانه نسبت به آن اقدام دولت رييسي در ممانعت از روند تصويب آن لايحه در مجلس، با پاسخ روشن و قانع‌کننده‌اي روبه‌رو نشده و معلوم نيست اساساً دولت چرا تمايل به تصويب آن لايحه ندارد، برخي منابع خبري از اقدام ديگر دولت سيزدهم در مسير بازپس‌گيري تعدادي ديگر از لوايح مصوب دولت روحاني خبر مي‌دهند؛ اينکه ابراهيم رييسي اخيراً در نامه‌اي خطاب به محمدباقر قاليباف از او به عنوان رييس مجلس خواسته که 16 مورد از لوايح تقديمي دولت روحاني را مسترد کند. اين درحالي است که در ميان اين لوايح 16 گانه، هستند مواردی که استردادشان همچون لايحه موسوم به «منع ستاره‌دارسازي دانشجويان» منجر به نگراني و نارضايتي شهروندان خواهد بود. لوايحي که از جمله آن مي‌توان به لايحه اصلاح قانون انتخابات يا همان لايح جامع انتخابات، لايحه مقابله با فسادهای

اداري- مالي و البته لايحه دايمي شدن همسانسازي حقوق بازنشستگان اشاره کرد و اين در حالي است که اگر مورد نخست به دليل اهميت بحث انتخابات ممکن است نگراني‌هايي را به خصوص براي جريان‌هاي سياسي و مشارکت‌کنندگان در فضاي سياسي ايران به همراه بياورد يا آنچه در ارتباط با مقابله با مفساد اداري-مالي به تصويب دولت روحاني رسیده و رييسي و دولت‌ش احتمالا به دليل نگاه متفاوتي که به مقوله فساد اقتصادي دارند، تصميم به بازپرسگيري آن گرفته تا با توقف روند تصويب لايحه‌اي که دولت روحاني تقديم مجلس کرده بود، قاعدتا پيشنهاد و نگاه دولت کنوني را بر اين مقوله حاکم کنند، استرداد لايحه سوم نیز از آنجا که بر زندگي گروه‌ي بزرگ و طيفي گسترده از شهروندان اثرگذار خواهد بود، حايز اهميت است. آن‌هم در حالي که به واقع اين گروه از شهروندان که همان بازنشستگان باشند، از سويي به دليل اوضاع نامساعد معيشتي‌شان - آن‌طور که طی اين سال‌ها شاهد بوديم- از جمله گروه‌هاي اجتماعي بودند که در تجمعات اعتراضی اين سال‌ها حضوري پررنگ داشته و دارند و از ديگرسو، وضعيت بازنشستگان و مشخصا صندوق‌هاي بازنشستگي که با مصائب و مشکلاتي پيچيده روبه‌رواست، نه فقط مشکلي در ميان ده‌ها و صدها مشکل ريز و درشت مملکتی، بلکه فراتر از آن، در رده 5 ابرچالش نخست ايران است. چنانکه وقتي علي لاريچاني آذرماه 96 در يك سخنراني از خروجي کار مرکز پژوهش‌هاي مجلس در بحث بررسي چالش‌ها و ابرچالش‌هاي پيش روی ايران سخن مي‌گفت، درحالي از 38 چالش سخن گفت که در عين حال تاکيد کرد که 15 مورد از اين چالش‌ها عملا به ابرچالش تبديل شده‌اند. به خصوص آنکه در ادامه بحث و بررسي در ارتباط با فهرستي شامل 20 چالش و ابرچالش در دستورکار نمايندگان قرار گرفت و مجلس‌دهمي‌ها در جلسات غيرعلني با حضور مسوولان مختلف، يك به يك به اين موارد پرداختند، سخنگوي هيأت‌رييسه مجلس وقت اعلام کرد که بحران صندوق‌هاي بازنشستگي در رده بحران‌هايي آب، محيط‌زيست، بيکاري و اشتغال و همچنين بحران نظام بانكي، 5 مورد نخست اين فهرست را تشکيل مي‌دهد و در عين حال اين بحران در صندوق‌هاي بازنشستگي خود چالش‌ها و مشکلات ثانويه را براي ديگر بخش‌ها و حوزه‌ها از جمله صنعت و اقتصاد به همراه آورده است.

آنچه اما در ارتباط با استرداد لايحه دايمي شدن همسانسازي حقوق بازنشستگان محل تامل و شگفتي است و البته عامل و دليل نگراني ناظران، آن است که دولت روحاني اساسا در واکنش به گزارش‌هاي آن زمان درخصوص 20 چالش و ابرچالش ايران دست به کار تدوين لايحه شده و به اين ترتيب، لايحه‌اي که حالا رييسي تصميم به استرداد آن از مجلس کرده و روند تصويبش را متوقف ساخته، لايحه‌اي است که دولت

روحانی به منظور حل بخشی از مشکلات معیشتی بازنشستگان تدوین و تصویب کرده بود تا مگر به این وسیله، بار دیگر آرامش را به این بخش از شهروندان بازگرداند.

حال اما در حالی این لایحه از سوی دولت ریسی مسترد شده که بررسی متناسب سازی حقوق بازنشستگان با شاغلان یا همان بحث همسان سازی حقوق بازنشستگان یکی از تکالیف دولت در ماده ۳۰ قانون برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰، ۱۳۹۶) است که با هدف برقراری عدالت در نظام پرداخت و رفع تبعیض مورد تاکید قرار گرفته است. این در حالی است که پایگاه خبری- تحلیلی آفتاب نیوز با اشاره به این مهم، ۸ نکته را در این رابطه مطرح کرده و این پرسش را پیش کشیده که با توجه به شرایط اجتماعی و خواست عمومی بازنشستگان، استرداد این لایحه که در سال جاری برای آن اعتباری بالغ بر ۷۳۸۵۰ میلیارد تومان در قانون بودجه منظور شده و برای سال ۱۴۰۱ نیز با ۱۰ درصد افزایش، مبلغ ۸۱۲۳۵ میلیارد تومان اعتبار اجرای آن پیش بینی شده، با چه هدف صورت می گیرد؟ این پایگاه خبری در حالی معتقد است «قطعا تنها فایده ای که این استرداد را نسبت به هزینه ناامنی خاطر بازنشستگان توجیه می کند، استحکام مفاد و افزایش واقع بینانه اعتبارات اجرای آن برای سال های آتی است» که به نظر می رسد این بار هم مشکل همان مشکل همیشگی یعنی کمبود منابع و کسری سنگینی است که دولت در بودجه ریزی با آن روبه روست. هرچند آنچه امروز بر بازنشستگان می گذرد، به مراتب پیچیده تر است و گذران زندگی را برای شان دشوار ساخته است؛ گروهی از شهروندان پا به سن گذاشته که طی این سال ها، به دفعات دست به اعتراض زده و علاوه بر حضور در مقابل ساختمان هرمی شکل میدان بهارستان، گهگاه خود را به محل ساختمان سازمان برنامه و بودجه رسانده و نسبت به اوضاع معیشتی و حقوق و مزایای اندک شان اعتراض کنند. اعتراضی که احتمالا باید منتظر آن باشیم که در واکنش به همین اقدام عجیب دولت ریسی در استرداد لایحه دایمی شدن همسان سازی حقوق بازنشستگان افزایش یابد؛ مگر آنکه ریسی و دیگر همراهانش در دولت سیزدهم بتوانند در اسرع وقت در این رابطه توضیح بدهند و مهم تر از آن، توضیحی معقول و موجه برای این اقدام شان داشته باشند و بتوانند با استدلال در این رابطه، افکار عمومی و مشخصا بازنشستگان معترض را آرام کنند!

منبع: روزنامه اعتماد 19 بهمن 1400 خورشیدی